

Explaining Family Pattern in Fertility with Meta-Analysis Approach and Citation of Quranic Teachings

Fatemeh Farhadian^{*1}

*Narges Afshar*²

1. Master of General Psychology, Ragheb University, Isfahan (Corresponding Author)

Email: f.farhadyan.169@gmail.com

2. Graduated from level two seminary and Bachelor of Business Administration, University of Isfahan Email: Nargesafshar2006 @gmail.com

Abstract

According to data published by various demographic organizations, fertility rates are decreasing in many countries around the world, including Iran. This can be due to a number of reasons. However, cultural transformations over the past few decades, among other changes, are the most self-explanatory. The growth of individualism and humanist thoughts, changes in beliefs and attitudes, the growth of secularism, changes in family values and transformation are among the most important developments related to fertility. The aim of this study was to study the factors affecting fertility in individual, familial and social domains and to explain a model for family in fertility based on valid evidence and relying on religious teachings. Brinadas, the research method in this study, is qualitative and meta-analysis. The results showed that there is a significant relationship between individualism, modernization, religiosity, secularism and family values in families and fertility, meaning that the more commitment to family religious beliefs, the lower the levels of secularism and individualism, and the higher the attention to family values, the higher the fertility rate in those families. In the meantime, modernization and its impacts on the family, especially women, have contributed greatly to changing attitudes. Therefore, the most important principle is changes in attitude, belief, value and action in three levels of individual, family and society. Attitudes are formed over time and a transformational process, and then they are transformed into beliefs and values and eventually into action, and when they are formed, it is simply not possible to change them, so effective measures should be taken in this regard .

Keywords: Fertility Pattern, Quranic Citations, Meta-Analysis, Attitude, Action, Value.

*. Date of Reception: 2019/06/01 , Date of Acceptation: 2019/08/16

تبیین الگوی خانواده در باروری

با رویکرد فراتحلیلی و استناد بر آموزه‌های قرآنی

فاطمه فرهادیان^{۱*}

نرگس افشار^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه راغب، اصفهان (نویسنده مسئول)

Email: f.farhadyan.169@gmail.com

۲. فارغ التحصیل سطح دو حوزه علمیه، اصفهان و کارشناسی مدیریت بازرگانی دانشگاه اصفهان

Email: Nargesafshar2006@gmail.com

چکیده

براساس داده‌های منتشر شده از سوی سازمان‌های مختلف جمعیت‌شناختی، نرخ باروری در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله در ایران در حال کاهش است. این امر می‌تواند ناشی از دلایل متعددی باشد. با وجود این، دگرگونی‌های فرهنگی طی چند دهه اخیر، در میان سایر تغییرات، بیشتر از همه خودنمایی می‌کنند. رشد فردگرایی و تفکرات اومانیستی، تغییرات باورها و نگرش‌ها، رشد سکولاریسم، دگرگونی در ارزش‌های خانوادگی و تحول خواهی در زمره مهم‌ترین تحولات مرتبط با باروری است. هدف از این پژوهش، مطالعه عوامل مؤثر در باروری در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و تبیین الگویی برای خانواده در زمینه باروری با استناد بر شواهد معتبر و با تکیه بر آموزه‌های دینی است. براین اساس، روش تحقیق در این مطالعه، از نوع کیفی و به صورت فراتحلیلی است. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه کاملاً معناداری میان متغیرهای فردگرایی، مدرنیزاسیون، دینداری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در خانواده‌ها و باروری وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان التزام به باورهای دینی خانواده بیشتر، سطوح سکولاریسم و فردگرایی کمتر و هر چه میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد، نرخ باروری در آن خانواده‌ها بیشتر است. در این میان مدرنیزه شدن و تبعات متأثر از آن بر خانواده و به‌ویژه زنان سهم زیادی در تغییر نگرش‌ها داشته است. بنابراین مهم‌ترین اصل، تغییر در نگرش، باور و ارزش و کنش در سه سطح فرد، خانواده و جامعه است. نگرش‌ها در طول زمان و یک فرایند تحولی شکا، م، گیرند و سپس، به به باورها و ارزش‌ها و نهایتاً به کنش، تبدیل، م، شوند و زمانی که شکل گرفتند تغییر آنها به سادگی امکان پذیر نمی باشد ازاین‌رو باید در این زمینه اقدامات مؤثری شکل بگیرد.

کلیدواژه: الگوی باروری، استنادات قرآنی، فراتحلیل، نگرش، کنش، ارزش.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵

مقدمه

خانواده یکی از قدیمی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین گروه‌ها در جوامع مختلف است که هسته اصلی حیات اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهد. ازکارکردهای خانواده ایجاد آرامش روحی و روانی برای اعضا و باروری و تولید نسل می‌توان نام برد (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸). اثرات مدرنیته در چند دهه اخیر به قدری سریع اتفاق افتاده که جامعه را دستخوش تغییرات عمده و جدی نموده است. از حوادث مهم جهان امروز کاهش باروری به زیر سطح جانشینی است.

میزان و رفتار باروری یک جامعه می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد و در همین راستا افراد و بالأخص زنان ممکن است تمایلی به داشتن فرزند زیاد ندارند. اما آنچه ارزیابی ارزش‌ها و منافع غیراقتصادی به ذهن متبادر می‌کند این است که در واقع بیشترین سهم در کاهش باروری دو عامل دیگر یعنی فرهنگی و اجتماعی بر دوش می‌کشد. در واقع کاهش نرخ باروری می‌تواند نشان‌دهنده تغییر نگرش و نزول ارزش‌های مرتبط با تولد فرزند بوده و در کنار آن معرف ارتقا سایر ارزش‌ها بالأخص ارزش‌های فردی و تقویت خواسته‌ها در بین افراد باشد. در این بین نقش تغییر نگرش زنان در خصوص مسائل اجتماعی و خانوادگی و مخصوصاً نسبت به فرزندآوری به گونه‌ای است که نمی‌توان و نباید از آن غافل ماند. در چرایی این تغییر نگرش باید بر گسترش و توسعه‌ی نوسازی و مدرنیته در سطحی جهانی و به موازات آن در سطوح مختلف جامعه ایران نیز اشاره نمود. از این‌رو تغییر نگرش، تغییر هنجارها، باورها و نهایتاً کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی با نظام ارزش‌ها سوق می‌دهد.

مروری بر پیشینه مطالعات مربوط به مسئله باروری در ایران نشان می‌دهد مقالات و پژوهش‌های متعدد و متنوعی در این زمینه نوشته شده است؛ در مقاله (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴) با استفاده از چارچوب نهادی تحلیل باروری، تأثیر ابعاد و تغییرات خانواده، بر نگرش‌ها و رفتارهای باروری را با ارائه مطالعه موردی موردبررسی قرارداد است. در مقاله (عباسی شوازی و فیروز کاوه، ۱۳۸۱) به بررسی روند چگونگی تغییر سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه کنترل جمعیت در ایران می‌پردازند. این مقاله شرایط و تحولات جمعیتی در کشور را متأثر از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قبل و بعد از انقلاب دانسته است. مقاله (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰) به بررسی روندها و تفاوت‌های باروری در ایران می‌پردازد و با برآورد میزان باروری در استان‌های ایران نتیجه می‌گیرد که شکاف شهری و روستایی در میزان‌های باروری در بسیاری از استان‌ها معنی‌دار نیست. در مقاله ضیایی بیگدلی و همکاران، (۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۴۰) به مطالعه رابطه بین سطح باروری و توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هراندازه سطح توسعه‌یافتگی کشوری بالاتر باشد به همان اندازه میزان زاد و ولد و در نتیجه رشد جمعیت کشور کمتر خواهد شد. در پژوهش‌های صورت گرفته، تحقیقی که الگوی باروری را با رویکرد

تحلیلی دنبال کرده باشد یافت نشد. از این رو این مقاله در تلاش است خلاء موجود را با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با استناد به آمار و شواهد معتبر و با تأکید بر آموزه‌های دینی، به تبیین الگوی باروری در خانواده بپردازد.

الگوی باروری در سطح فرد، خانواده و سیاست های کلان جامعه

در ادامه به تبیین الگوی باروری در سطح فرد، خانواده و سیاست کلان پرداخته می‌شود. فرد از آن جایی که عضوی از خانواده است و سیاست های کلان نیز لازم است از سوی مسئولین برای تسهیل باروری در خانواده صورت گیرد.

۱. الگوی باروری در سطح فرد و خانواده

الگوی باروری در سطح فرد و خانواده و در حیطه نگرش‌ها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد که در ادامه به آن اشاره می‌گردد.

تغییر نگرش، ارزش و کنش

امروزه نهاد خانواده پا به پای تحولات اجتماعی دگرگون شده است. بر این اساس تغییرات نظام خویشاوندی و تغییرات باروری نتیجه اجتناب ناپذیر دگرگونی ساختاری جامعه و همچنین دگرگونی‌های ایدئولوژیکی است که این امر باعث کاهش تعداد فرزند ایدئال می‌شود و در کل سیستم جامعه و ساختار جمعی اثر می‌گذارد.

ترکیب شناخت‌ها و احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را گرایش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند. گرایش به باروری نیز گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین خانواده‌هاست. هم از منظر فردی و هم از منظر اجتماعی هیچ نهادی نیست که همانند نهاد خانواده جهانی و از نظر غایت ثابت پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی نیز همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد. (راد و ثوابی، ۱۳۹۴)

پارسونز معتقد است کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزشهای اجتماعی سازمان می‌یابد و هنجارهای اجتماعی، کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی با نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد (چلپی، ۱۳۸۶). نظریه لی وین و شاو نیز از نظریه‌هایی است که در تبیین رفتار باروری، به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها و اولویت‌ها در رفتار اشاره کرده است. این دو معتقدند که الگوهای فرهنگی، باورها و انتظارات مشترک یک جمعیت را درباره باروری و مرگ و میر منعکس می‌کنند. برای یک جمعیت خاص، عقلانیت فرهنگی الگوی باروری شامل مجموعه‌ای از مفروضات فرهنگی است که اگرچه برخی از آنها منطقی و برخی دیگر غیرمنطقی (بازتاب دهنده هنجارهای سنتی) هستند؛ اما همه آنها در مجموع از سوی مردم پذیرفته شده‌اند و فعالیت‌های مرتبط با باروری نظیر: تولد، شیردهی، فاصله فرزندان، مراقبت از کودک و ... را شکل می‌دهند. (حسینی، حاتم و بال بگی، ۱۳۹۱، ص ۴-۱۲)

چنانچه تغییر در نگرش فرد و خانواده صورت بگیرد می‌تواند الگوی فرزندآوری را متحول کند. در قرآن نیز به اصلاح نگرش‌ها و جایگزین کردن باورهای صحیح که به تبع آن کنش‌های مثبت هم به دنبال دارد، اشاره شده است (رعد: ۱۱) در اینجا گزاره‌هایی که منجر به این تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و کنش می‌شوند بیان می‌گردد و در ادامه الگوهای لازم جهت اصلاح آن ارائه می‌شود:

۱-۱. فردگرایی

ظهور فردگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای توسعه غربی و خصایص جامعه مدرن از عوامل مهم و اثرگذار بر گسترش کنش کم فرزندآوری زنان است و رشد فردگرایی در جامعه ایران ساختار خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. توجه و تمرکز بر فرد و تمایلات او در فرهنگ مدرنیته، او را از زندگی گروهی و خانوادگی دور می‌گرداند و خودبینی ایجاد می‌کند. فردی شدن فزاینده روابط درون خانواده به تأکید بر اهمیت خواسته‌های شخصی در برابر قواعد نهادها می‌انجامد (پروینیان و همکاران، ۱۳۹۷). فردگرایی به عنوان یک متغیر تعیین کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید ازدواج است که سایر عوامل مانند تحصیلات و اشتغال اثرات خود را از طریق فردگرایی بر نیت و رفتار باروری می‌گذارند. عامل فرهنگی مؤثری که بیشترین میزان همبستگی را با گرایش به عدم فرزندآوری دارد فردگرایی است. فردگرایی در ارتباط با کنار رفتن سنت‌ها و رسوم از زندگی افراد است. در نتیجه بازاندیشی زندگی اجتماعی مدرن که مغایرت با سنت دارد، هم سنت و هم دین را تضعیف کرده است؛ بنابراین آداب ویژه‌ای که هم در فرهنگ سنتی و اسلامی ایران دارای ارزش و جایگاه قابل ملاحظه‌ای است؛ مانند صلهرحم، داشتن فرزند زیاد، خویشاوند گسترده و... به موازات نفوذ ارزش‌ها و گفتمان‌های جهانی مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند و ارزش‌هایی چون فردگرایی جایگزین آن می‌شوند. (پروینیان، ۱۳۹۲)

در فردگرایی منافع شخصی و شادکامی فردی تمام مناسبات و فرآیندهای اجتماعی را تعیین می‌کند و تفکر غالب خانواده‌های تک‌فرزند این‌گونه است (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۷۲). بنابراین، این‌طور به نظر می‌رسد که رواج فردگرایی در بین افراد و مخصوصاً زنان یکی از عواملی است که می‌تواند باعث عدم تمایل آنها به داشتن فرزند شود که این تمایل و ترجیح به ورطه عمل کشیده شده و قصد آنان را هم درخصوص تعداد فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد. مادر شدن که زمانی بسیار با ارزش تلقی می‌شد و برای زنان افتخار بود اکنون ارزش سابق خود را در میان زنان به خصوص زنان تحصیل کرده و شاغل از دست داده است. فردگرایی، کودکان را سد راه پیشرفت فردی و اجتماعی می‌داند (عبودی، ۱۳۹۲) در واقع رواج نگرش‌ها و الگوهای رفتاری جدید که فردگرایی جزئی از آنهاست، گفتمانی را به افراد و بالأخص زنان جامعه حاضر معرفی می‌کند که با گفتمان کنونی کم‌فرزند در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌گیرد و از آنجایی که زنان عامل اصلی زاد و ولد به شمار می‌آیند و موقعیتشان در جامعه می‌تواند بر رفتار باروری آنها تأثیرگذار باشد (شاه‌آبادی، سرایی، حاج‌آبادی، ۱۳۹۲). در بیشتر این مطالعات (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳؛ عباسی شوازی و مندگاری، ۱۳۸۹) افزایش استقلال در کنار بهبود پایگاه اجتماعی - اقتصادی و به عنوان رکنی از آن در نظر گرفته شده و استقلال فردی به عنوان یکی از ابعاد مهم فردگرایی است.

۲-۱. تغییر سبک زندگی و مدرنیته شدن

نوشتارین در این رابطه باور دارد که در سایه مدرنیزاسیون بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای خانواده‌ها نسبت به شکل‌گیری خانواده و فرزندآوری تغییر پیدا کرده است. به عبارتی شهرنشینی و صنعتی شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که گرایش به فرزندآوری و پرورش بچه‌ها را هزینه آور می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد را از بین می‌برد. رابدر در مطالعات خود به این نتیجه دست یافت که کاهش زاد و ولد در آمریکا ناشی از تغییر در هنجارهای مربوط به خانواد، فرزند، ازدواج و به ویژه آگاهی زنان به استفاده رایج از جلوگیری از بارداری است. هاثورن اظهار می‌دارد که این صحیح است که در تمامی جوامع آگاهی از کنترل موالید با شهرنشینی (محل تولد یا گذراندن دوران زندگی قبل از ازدواج در شهر)، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بار متغیرهای تبیینی دیگر نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان تأثیر قابل توجهی دارد. نتایج حاصل از تغییرات خانواده و کاهش باروری در خانواده در ایران نشان داد، زوج‌هایی که در محیط شهر پرورش یافتند، زنانی که از سطوح بالاتر تحصیلی برخوردارند و زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، تعداد فرزندان کمتری دارند، به هنگام ازدواج باروری ایده آل پایین‌تری داشتند (راد و ثوابی، ۱۳۹۴). زندگی شهری بر ایده‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای خانواده‌ها، از جمله رفتار باروری اثر می‌گذارد و سطح باروری را محدودتر می‌کند (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰، ص ۱۳-۲۵-۸). یکی دیگر از نکاتی که در این زمینه گفتنی است عامل مهم هسته‌ای شدن خانواده‌هاست زیرا در گذشته بودن مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها در کنار دختران و پسرانشان بار تولید نسل را به دوش می‌کشید اما امروزه هسته‌ای شدن خانواده‌ها و نداشتن پشتوانه حمایتی خانواده و مسائلی از این دست موجب ترس از فرزندآوری شده است.

۳-۱. توسعه سطح آموزش

یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصادی، اجتماعی چند دهه اخیر کشور که متضمن پیامدهای مهمی در زمینه جمعیت می‌باشد، توسعه آموزش است. آموزش مهم‌ترین کانال تغییر نگرش نیز محسوب می‌شود به طوری که هم می‌تواند با قراردادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید منجر به تغییرات نگرشی و ارزشی گردد و هم می‌تواند مستقیماً ارزش و نگرش‌ها و عقاید را به سوی داشتن خانواده کوچک و تنظیم خانواده سوق دهد. (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷-۱۵۶). طبق نظر کوچران، تحصیلات زنان با نگرش‌های مثبت‌تر نسبت به کنترل موالید، آگاهی بیشتر در مورد جلوگیری از بارداری رابطه مثبت دارد. مطالعات بسیاری نیز نشان داده‌اند که افزایش سطح تحصیلات با تأخیر در فرزندآوری مرتبط است. (رزاقی نصرآباد، ۱۳۹۵)

همچنین نتایج مطالعات عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داده است؛ یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد فاصله بین ازدواج تا اولین تولد، افزایش سطح تحصیلات است. در میان افراد بی‌سواد، نسبت افراد دارای فرزند در یک سال پس از ازدواج بیشتر از گروه‌های دیگر است (رضایی نسب، فتوحی، ۱۳۹۶). مرور مطالعات نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات، مهم‌ترین تعیین کننده زمان وقوع این پدیده است.

۴-۱. تحول خواهی و گرایش به فرآیند اجتماعی شدن زنان

گسترش تفکرات برابری زن و مرد، دعوت زنان به افزایش سطح تحصیلات و به دنبال آن، مطالبات اجتماعی آن، دعوت به رفاه‌طلبی و منع باروری، ترسیم زنان خانه دار به عنوان افرادی بی‌سواد، ناآگاه و بی‌کار؛ همگی جریان جهت‌داری را برای تغییر نظام ارزشی در جامعه ایجاد کرده است تا زنان را به سمت اشتغال بیرون از خانه سوق دهد. چنانچه یک زن اگر تمایلی یا نیازی به حضور در اجتماع حس نکند، تن به این جریان دهد و علی‌رغم میل باطنی خود صرفاً تحت فشار اجتماعی استنکاف کند. القای این فرهنگ که یک زن تحصیل‌کرده می‌بایست در اجتماع حضور یابد و دارای اشتغال گردد و کار خانگی و تربیت فرزند برای شأنیت یک زن با سطح علمی بالا شایسته نیست از جمله این فشارها و هنجارسازی‌های اجتماعی است.

علاوه بر کسب موقعیت اجتماعی و رشد شخصیت و درک بهتر مسائل جامعه، انگیزه‌های دیگری چون؛ آموزش و کسب تخصص‌های لازم، مفید واقع شدن و اغنای حقیقی نیازهای روحی در ارتباط با انتقال تجربیات و دانسته‌های خود و کمک به اجتماع، ارتقا سطح فرهنگ خانواده، کمک به بهبود روش‌های تربیتی فرزندان، از طریق کاهش فشارهای روانی و احساس رضایت از حضور مفیدشان در اجتماع، بالا رفتن قدرت برنامه‌ریزی آنها در اداره زندگی و ایجاد محیط آرام‌تر توأم با نشاط برای فرزندان از دیگر مواردی هستند که زنان را به صحنه‌های مختلف اجتماع می‌کشاند. درگذشته در بافت فرهنگی ایران ارزش زن به‌عنوان نقش مادری ارزیابی می‌شد و احترام و حمایت و همدردی را در خانواده یا جامعه بزرگ‌تر با داشتن فرزندان زیاد به‌ویژه پسر به دست می‌آورد. این بافت و محیط اجتماعی در چند دهه اخیر تغییر یافته است. تحولات گسترده در نقش زنان موجب شده حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فضای عمومی افزایش یابد و با افزایش استقلال در جنبه‌های مختلف زندگی آنان از موقعیت و پایگاهی بالاتر نسبت به دهه قبل برخوردار باشند که این امر زمینه تغییرات محسوس در کنش‌های باروری زنان را فراهم ساخته و باعث دگرگون شدن نقش مادری در خانواده شده است. (صادقی، ص ۲۳۰)

از این رو می‌توان گفت یکی از تحولات بزرگ صورت‌گرفته طی دهه‌های اخیر افزایش چشمگیر مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی بوده و در این راستا رابطه‌ای میان مشارکت زنان در بازار کار به‌عنوان یکی از عوامل مهم و اثرگذار در رشد اقتصادی و نرخ‌های باروری به منزله عاملی مؤثر در رشد جمعیت مورد توجه قرار گرفته است (فطرس، نجمی، معمارزاده، بی‌تا، ص ۳۲۲). این افزایش در نرخ مشارکت و درصد زنان شاغل باعث می‌شود که هزینه فرصت بزرگ کردن فرزند برای مادران افزایش یابد و نتیجه آن کاهش تمایل به باروری بیشتر در آنان است. (مقصودپور، همان)

۵-۱. افزایش سن ازدواج

توانایی باروری در زنان با افزایش سن به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. کاهش باروری در طول زمان و به‌طور تدریجی صورت گرفته و منجر به کاهش میزان بارداری و افزایش سقط می‌گردد. مطالعات نشان داده است که میزان

ناباروری در ۳۴ سالگی حدود ۱۰ درصد بوده و این میزان در سن ۴۴ سالگی به ۸۵ درصد می‌رسد (بهجتی اردکانی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵-۳۳۱). عوامل مؤثر در کاهش باروری در بالا رفتن سن ازدواج است می‌تواند متأثر از عواملی، همچون سخت‌گیری والدین و ناآگاهی آنها از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان، بالا بودن توقعات و انتظارات زوجین برای تشکیل خانواده و روحیه رفاهی گری و تجمل‌گرایی، ادامه تحصیل و کسب شغل، اعتقاد به داشتن زندگی آزاد در مجردی و اعتقاد به اینکه ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنها می‌شود، مشکلات مربوط به افزایش مهریه و مسائل اشتغال و بیکاری که مخصوصاً در ازدواج مردان نقش بسیار تعیین‌کننده ایفا می‌کند، می‌باشد (مرادی، صفاریان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). همچنین زنانی که در سنین بالا ازدواج می‌کنند سطح انتظارات و توقعات آن‌ها از زندگی و تمایل آن‌ها به انتخاب تعداد فرزندان و تنظیم خانواده افزایش می‌یابد. (کلانتری، بیک محمدی، زارع شاه‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴-۱۴۵)

۱-۶. دگرگونی نگاه به نقش مادری

گذار به مادری تجربه جدید و منحصر به فردی برای زنان است. این تجربه در بستر گذار باروری با تغییراتی همراه است. با دگرگونی‌های عصر حاضر به نظر می‌رسد وابستگی‌ها و دل‌بستگی‌ها در برخی از زنان و مادران کاهش یافته و امور دیگری مانند فعالیت‌های اجتماعی، اشتغال، درآمدزایی و پرداختن به تفریحات متنوع و... جای آن را گرفته است.

می‌توان مهم‌ترین دلیل این دگرگونی‌ها را تغییر نگاه ارزشی به نقش زنانگی و مادری دانست که در سال‌های اخیر به دلیل رشد جنبش فمینیسم بیشتر فراگیر شده است. فمینیست‌های تندرو با تحقیر نهاد خانواده ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیر مهم می‌دانند و با تأکید بر تساوی زنان و مردان بدون در نظر گرفتن جنسیت، زحمات و اهمیت کار زنان را در دوران بارداری، به دنیا آوردن فرزند و شیردادن و پرورش نسل نادیده می‌گیرند.

از سوی دیگر رواج ارزش‌های مادی و فردگرایی - که قبلاً به آن اشاره شد - تناسبی با فداکاری‌های مادرانه ندارند و بدین ترتیب در طرد نقش مادری تأثیرگذار بوده است. برخی از جریان‌های روشنفکری، فردیت یافتن زنان را به معنای استقلال اقتصادی و خودآگاهی زنان و پایان بخشیدن به مادر بودن و همسر بودن و جنس دوم دیدن زن و بالاخره به رسمیت شناختن سروری زنان بر بدن خویش دانسته و رشد فردگرایی را عامل چالش زنان علیه پدرسالاری خوانده است. (نوری، اسلام پور، ص ۸۳)

از این رو، تولید مثل و باروری که می‌توانست عامل کلیدی و جزء جداناپذیری از نقش زنان در خانواده جامعه باشد؛ به دلیل تغییر موقعیت و جایگاه زنان در جامعه و به تبع آن تغییر نگاه آنان به نقش مادری بر رفتار باروری‌شان تأثیر به‌سزایی داشته است. در این زمینه، اگرچه مادرشدن همیشه یکی از اصلی‌ترین نقش‌های زنانه بوده است؛ اما به نظر می‌رسد این دیدگاه در حال تغییر است و با توجه به فرصت‌ها و نقش‌هایی که به‌طور موازی برای زنان دسترسی‌پذیر است، مادرشدن دیگر به‌منزله نقش اصلی همه زنان شناخته نمی‌شود. (ابوت و والاس، ۱۳۷۶)

۷-۱. ناسازگاری نقش مادری و کارمندی

اشتغال زنان که به تبع بالارفتن سطح تحصیلات زنان است تأثیر زیادی در عدم ایفای نقش مادری دارد. در دوره زمانی (۱۳۶۵-۱۳۹۵) درصد اشتغال زنان و نرخ مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی افزایش یافته است. این افزایش نرخ مشارکت و درصد زنان شاغل باعث می‌شود که هزینه و فرصت بزرگ کردن فرزند برای مادران افزایش یابد و نتیجه آن کاهش تمایل به باروری است. (مقصودپور، ۱۳۹۳، ص ۹۵)

از آنجایی که زندگی زنان شاغل با تولد اولین فرزند به شدت دگرگون می‌شود. مادران شاغل با دو نقش روبه‌رویند که گاهی اوقات این نقش‌ها در تضاد با هم قرار دارند: نقش شاغلی و نقش مادری. افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی، علاوه بر اینکه منشأ بهبود کیفیت زندگی و پیشرفت اجتماعی زنان شده است، با توجه به نقش‌های جنسیتی و سنتی از پیش تعریف‌شده، نقش‌های تازه‌ای را بر نقش‌های قبلی آنها افزوده است؛ به عبارت دیگر، اشتغال به منزله نقشی اضافه‌شده، تعهدات و مسئولیت‌های بیشتری برای زنان ایجاد می‌کند. زنان شاغل که در بیشتر موارد به طور همزمان سه نقش همسری، مادری و شغلی را دارند، با انتظارات نقشی متفاوتی روبه‌رو هستند که باید قادر به پاسخگویی به همه آنها باشند. این احتمال وجود دارد که آنها با محور قراردادن الزامات یک نقش، برآورده کردن انتظارات نقش‌های دیگر را در حاشیه قرار دهند یا به ایفای انتظارات ایجابی اکتفا کنند؛ اما آنچه مسلم است در جامعه ایران سطح و حجم وظایف و انتظارات ناشی از نقش‌های خانوادگی از سطح و حجم مسئولیت‌های ناشی از نقش‌های شغلی بیشتر است (احمدی‌فراز، عابدی، و آذربزین، ص ۱۴۸-۱۳۷) از این رو، همان طور که وود و نیوتن (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند مادرشدن هزینه‌های بیشتری را به زنانی تحمیل می‌کند که شاغل‌اند یا به شغل یا حرفه خود بیشتر متعهدند. نظریه‌های متعددی در تبیین گذار به مادری و تغییرات آن مطرح شده است که مهم‌ترین آنها شامل نظریه انتخاب عقلانی، نظریه برابری جنسیتی و نظریه گذار دوم جمعیتی است. «نظریه انتخاب عقلانی» معتقد است فرزندآوری برای مادران تحصیل‌کرده و شاغل، هزینه فرصت بیشتری ایجاد می‌کند. در نتیجه، زنان برای اجتناب از این امر، فرزندآوری خود را محدود می‌کنند «نظریه برابری جنسیتی» نیز معتقد است زنانی که قصد مشارکت در بازار کار را دارند نیازمند این هستند که از سوی خانواده خود حمایت شوند و گرنه به دلیل نقش‌های چندگانه در محیط کار و خانه دچار مشکل می‌شوند و در نهایت نقش‌های خانوادگی خود را محدود می‌کنند «نظریه گذار دوم جمعیتی» نیز بیان می‌دارد که با توجه به تغییرات ایده‌ای و فرهنگی، جایگاه زنان متحول و مفهوم مادری تغییر کرده است. (صادقی، شهابی، ۱۳۹۸، ص ۹۱-۱۰۴)

اسحاقی و همکارانش در مطالعه چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل استدلال می‌کنند که زنان شاغل با چالش‌های درون‌شغلی و برون‌شغلی متعددی در زمینه فرزندآوری روبه‌رو هستند که سبب افزایش تضاد بین خانواده و کار می‌شود. به دلیل کاهش حمایت‌های خانوادگی از زوجین جوان درباره نگهداری از فرزندان، زوجین به درپیش گرفتن راهبردهای تأخیر در فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان سوق داده می‌شوند (اسحاقی و همکاران،

۱۳۹۳، ص ۱۳۴-۱۱۱). یکی از دلایلی که زوجین برای عدم تمایل به فرزندآوری بیان می‌کنند فرصت کافی نداشتن برای تربیت و رسیدگی به امور فرزندان است چرا که یکی از مشکلات شاغل بودن مادر در بیرون از خانه و کارمندی ایجاد مشکلات عاطفی کودک در سه سال اول ناشی از محرومیت از حضور مادر است (فرهادیان، همان، ص ۸۶-۹۳). یافته‌ها نشان می‌دهند که عدم حمایت کافی از زنان و خانواده و نداشتن زمان کافی به‌واسطه شاغل بودن یا ادامه تحصیل به عنوان شرایط علی چالش‌های پیش روی فرزندآوری می‌باشند. زنان در مواجهه با این چالش‌ها در بستری که مشکلات مالی و مسکن در آن وجود دارد و تجربه ناخوشایندی از تعداد زیاد اعضای خانواده دارند و مداخله فضای اجتماعی مخاطره آمیز و بالا بودن هزینه‌های فرزندآوری، استراتژی تک فرزندی را انتخاب می‌کنند. (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۵-۱۱۰)

۸-۱. نگرش منفی والدین نسبت به داشتن فرزند

پژوهشگران علاقه‌مند به فهم پویایی‌های جمعیتی، بیش از سه دهه است که ارزش فرزندان را از منظر والدین مطالعه می‌کنند. ارزشی که والدین از فرزندان درک می‌کنند، زمینه‌ساز انگیزه‌های بچه‌زایی و باروری است. ارزش فرزندان برای شفاف‌کردن اهداف و انتظارات والدین درباره فرزندان، روابط و تفاوت‌های بین نسلی و مجموعه‌ای از عوامل نمایان‌کننده جایگاه فرزند در خانواده و جامعه اهمیت دارد. مفهوم ارزش فرزندان به دلیل متأثرشدن از تغییرات جامعه و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، موضوعی است که بر اساس نوع جامعه در حال تغییر است و پیامدهای متنوع و گسترده‌ای به همراه دارد و تعیین‌کننده مستقیم انگیزه والدین برای داشتن تعداد خاص فرزند است. نتیجه ملاحظات سودگرایانه والدین، بهینه‌سازی رفاه فردی آن‌ها است (هاشمی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۶۱-۷۸). اجرای بیش از دو دهه سیاست تحدید مولید در کشور و اقدام‌های گوناگون فرهنگی - اجتماعی سهم به‌سزایی در نگرش و رفتار خانواده‌ها در زمینه فرزندآوری به دنبال داشته‌است. امروزه بیشتر زوج‌های جوان در سال‌های نخستین زندگی ضرورتی برای فرزند دار شدن احساس نمی‌کنند و فرزند داری را مزاحم تحصیل، اشتغال، رفاه و رشد و پیشرفت خود می‌دانند. به همین دلیل حتی اگر مشکل مالی هم نداشته باشند حاضر به فرزند دار شدن نیستند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۲، ص ۳۲). در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری نشان می‌دهند هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف شغلی زنان و زنان غیرشاغل درباره ارزش‌گذاری فرزندان وجود ندارد. بیشتر زنان، داشتن دو فرزند را مطلوب می‌دانند و متغیر سطح تحصیلات در هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار با مؤلفه‌های فواید اقتصادی فرزند و محدودیت‌ها و فرصت‌های ازدست‌رفته، رابطه مستقیم دارند (مشفق و غریب عشقی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰-۹۳). در بررسی خود بیان می‌کند که با گسترش روش‌های تولیدی و نهادهای اجتماعی غیرخانوادگی، فایده اقتصادی کودکان و اتکای والدین به فرزندان در روزهای کهولت و گرفتاری کاهش یافته است. (ترابی، ۱۳۹۰، ص ۹۸-۱۰۰)

درواقع یا نسل جدید فرزند ندارند یا به تک‌فرزندی علاقه دارند با آنکه یکی از پرشورترین غریزه‌ها در زنان مادر

شدن و ازدیاد نسل می‌باشد. با این وجود ذائقه بسیاری از ایرانی‌ها با توجه به دو دهه شعار فرزند کمتر زندگی بهتر با فرزند داشتن سازگاری ندارد.

بنابراین بر اساس تغییرات نظام خویشاوندی و تغییرات باروری و عدم تمایل به فرزند که نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ایدئولوژیکی است سرانجامی جز کاهش فرزندان ایدئال ندارد و این امر در کل سیستم جامعه و جمعیت اثر می‌گذارد. مطالعات نیز نشان داده است که بخشی از دگرگونی‌های فرهنگی ایران محصول تغییر نگرش بوده است که تأثیر آن در تغییر ارزش فرزند و فرزندآوری (سفیری، کمالی، فرجی، ۱۳۹۶، ص ۸۶) و به تبع آن کاهش باروری نمود داشته است.

اگرچه ارزش فرزند در خانواده‌ها و تمایل به فرزند کمتر همچنان در خانواده ایرانی یک ارزش تلقی می‌شود ولی متأثر از عوامل بیرونی و درونی تمایل به فرزندآوری و داشتن فرزندان بیشتر نزد خانواده‌های ایرانی بسیار ضعیف شده است به گونه‌ای که باروری و فرزندآوری در ایران به سطح زیر جانشینی رسیده است و این مسئله زنگ خطر برای کشور محسوب می‌شود.

در ادامه الگوهای پیشنهادی باروری ارائه می‌گردد:

۱-۱-۱. التزام به باورهای دینی و پرهیز از نگرش سکولاریستی

یکی از عوامل مرتبط با باروری، باورهای مذهبی است. مؤلفه‌های دین‌داری در سه بعد باور دینی، علایق و عواطف دینی و التزام به وظایف دینی تقسیم می‌شود. از نظر آرگیل (۲۰۰۰)، باورها، غالباً محوری‌ترین بعد دینداری محسوب می‌شوند و همان‌هایی هستند که مذهبی بودن فرد را تعیین می‌کنند. باور دینی شامل زیر مؤلفه‌های پذیرش خداوند و صفات کمالیه او، پذیرش انبیاء، پذیرش زندگی آخری یعنی معاد، پذیرش کتاب‌های آسمانی و احکام و قوانین خداوند و پذیرش ملائکه می‌باشد. (لطیف‌نژاد رودسری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱-۱۰)

دورکیم باورهای مذهبی را از نقطه نظر آثار وظایف اجتماعی تعریف می‌کند. همه کسانی را که پیرو آنها هستند (باورها و آداب) در یک اجتماع اخلاقی متحد می‌کند (آرون، ریمون، ۱۳۸۷، ص ۳۷۵). ایدئولوژی‌های مذهبی نظامی از ارزش‌ها، و هنجارها در زمینه ازدواج، بعد خانوار، نگرش‌ها و بعد رفتاری باروری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (حسینی، حاتم، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰). به عقیده دورکیم در خانواده‌ای گسترده، مذهب باعث وفاداری زوجین به یکدیگر بوده و امروزه با روی آوردن به روابط شخصی به جای وفاداری به خانواده‌های گسترده، مذهب تا حدی از زندگی مردم کنار رفته است. و بر مذهب را به عنوان یک نظام اعتقادی تعریف کرده و مذهب را به عنوان یک متغیر مستقل تأثیرگذار بر امور اجتماعی می‌داند. مطالعات نشان داده است که عوامل فرهنگ و مذهب، به صورت بالقوه، بر پذیرش و استفاده از روش‌های کنترل باروری توسط زوجین در ادیان مختلف نقش دارند. مطالعه انجام شده در کشور اردن نیز نشان داد که در جوامع اسم، فشارهای سنت، فشارهای خانوادگی و فشارهای مذهبی بر تصمیمات باروری مؤثر بوده‌اند. در ایران در چهار استان کشور، بررسی تحولات باروری نشان داد که مذهب یک از فاکتورهای

مؤثر بر باروری در هر منطقه است و سن باروری در زنان سنی بیشتر از زنان شیعه بود (خدیوزاده، ایرانی، ۱۳۹۵). همچنین در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که متغیر گرایش دینی بالاترین تأثیر را بر گرایش به فرزندآوری در بین جوانان داشته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۳-۱). مطالعات در ساحل آفریقا و در کشور غنا نیز بیانگر تأثیر مذهب و سنت آنان بر افزایش باروری است. (کریدی، اس، لیباس، کا، ۲۰۰۱، ص ۱۴۴-۱۵۱)

آن دسته از گروه‌های مذهبی که معتقد به آموزه‌های دین در زمینه عدم استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی و ممنوع و حرام بودن سقط جنین هستند و از طرف داشتن فرزند زیاد را ارزش می‌دانند، باروری بالاتری نسبت به گروه‌های که استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری را برای پیروان خود مجاز می‌شمارند، دارند. مطالعات قبلی نیز نشان می‌دهد که افراد مذهبی بیشتر مایل هستند که با افزایش باروری به ازدیاد نسل مسلمانان کمک کنند و از دیدگاه برخی از افراد مذهبی، استفاده از روش‌های تنظیم خانواده مجاز نیست و مخالفت با اراده خداوند است. (خدیوزاده، همان)

زوجین دیندار با عنایت به کارکردهای معنوی توکل به خدا با آرامش و اطمینان قلبی و عزت اجتماعی بر بسیاری از ترس‌ها و موانع در مسیر فرزندآوری فائق می‌آیند و با توکل به خداوند و اعتماد به رزاقیت او در راه آوردن فرزند بیش‌تر گام برمی‌دارند (سلیمانی، کیانی و عابدی، ۱۳۹۸، ص ۴۹-۶۹). آن‌ها چون در تأمین معاش به پروردگار به عنوان رزاق و روزی دهنده باور دارند و اعتقاد و اعتماد به تعهد و ضمانت ذات اقدس پروردگار دارند، می‌دانند بر اساس آنچه خود فرموده است: «رزق و روزی هر جنبنده برعهده خداوند است» (هود: ۶؛ انعام: ۱۵۱؛ طه: ۱۳۲) سهم و نصیبی که باید به مخلوقات برسد تا بتوانند به وجود و بقای خود ادامه دهند، فراهم می‌شود و هیچ نگرانی در این رابطه ندارد. بنابراین زوجین که ملتزم به باورهای دینی باشند براساس آموزه‌های الهی، هدف اصلی آمیزش جنسی را باروری و در قالب ازدواج و تشکیل خانواده می‌دانند. به ازدواج به هنگام رو می‌آورند و کمتر مانع از پیشگیری از بارداری می‌گردند، در تحکیم خانواده تلاش می‌کنند تا از بروز اختلاف و فروپاشی آن که مانع دیگری در باب کاهش فرزندآوری است، جلوگیری نمایند. تشویق به باروری در تمام ادیان وجود دارد و رعایت دستورات معنوی اسلام جهت حفظ حریم خانواده می‌تواند به ازدواج زود هنگام و در نتیجه به باروری بیشتر منجر گردد. در شریعت اسلام نیز، آیات قرآن و روایات متعددی وجود دارد که از آن‌ها ارزشمند بودن فرزندآوری برداشت می‌شود. (آل‌عمران: ۳۸، ۳۹؛ مریم: ۵؛ انبیاء: ۸۹)

۱-۲-۱. ارزش دادن به جایگاه مادری و تغییر نگرش اومانیستی

به نظر می‌رسد اگر برنامه‌های جمعیتی بتوانند فرزندآوری را از رقابت با تظاهرات خود تحقق بخشی و فردگرایی شامل تحصیلات، اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی خارج کنند، می‌توانند در تشویق فرزندآوری در نسل‌های جدید موفق باشند. در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت‌های جریان‌های فمینیستی در مغرب‌زمین و به‌موازات آن ارائه الگوهای تازه برای تغییر باور و نگاه زنان به ماهیت و نقش زنانگی و مادری خود دست به اقدامات بسیاری

زدند و در این زمینه رسانه و تمام ابزارهای لازم از جمله تولید انبوه فیلم و سریال‌ها و انتشارات گسترده مجلات مد و زیبایی و گسترش تبلیغات بازرگانی رسانه‌ها به کمک طلبیدند تا (شفیعی سروستانی، ص ۳۴) آنان را به بهانه‌های مختلفی از جمله تناسب اندام از بچه‌دار شدن یا شیردادن نوزادان خود منع کنند (شفیعی سروستانی، ص ۳۴). در صورتی که یکی از مهم‌ترین نیازها و قابلیت‌های زنان روح پرورش دهندگی و مادری است و به گفته روان‌شناسان غریزه مادری طبیعی‌ترین غریزه است و تکامل زن و سلامت او با مادر شدن امکان‌پذیر است. شدت احساسات و عواطف از صفات بارز آنان است و مهم‌ترین عرصه تجلی عاطفه و احساس مادری کردن است و زن فقط با مادر شدن می‌تواند تمام احساسات عاطفی خود را بروز دهد. هم‌چنین طبیعی بودن این غریزه باعث می‌شود پس از تولیدمثل، مرحله دوم تکثیر نسل که شامل تداوم نسل است در نوع بشر تحقق یابد. (شفیعی سروستانی، ص ۸۰)

اگرچه نمی‌توان منکر دشواری‌های دوران زایمان، شیردهی و مراقبت و تربیت فرزندان شد که مسلماً محدودیت‌هایی را بر زنان تحمیل می‌کند اما داشتن باوری محکم می‌تواند پشتوانه‌ای سترگ باشد تا زنان از عوارضی چون آشفتگی روانی، سرخوردگی، احساس پوچی و از خود بیگانگی دور باشند و مادر بودن را فعالیتی سخت و بی‌حاصل ندانند. جنبه‌های طبیعی مادری مانند بارداری، زایمان و شیردهی نیز در قرآن کریم و روایات از کارهای ارزشمند شمرده شده و زن را مستحق قدردانی و پاداش می‌داند و تأکید دین مبین اسلام نگاه ارزشی به مقام زن و مادر داشته و همواره با شایسته‌ترین مقام یاد کرده است (لقمان: ۱۴؛ مریم: ۳۲-۳۱؛ نوری، ص ۱۸۲). فقط با بازیافتن جایگاه واقعی مادران، زنان به ارزشمندی خود در این زمینه پی می‌برند و آن را مقدس می‌شمارند. با چنین نگرشی سختی‌های ناشی از آن با عطف و همراهی فرزندان در بزرگسالی جبران خواهد شد و رابطه مادری و فرزندی به‌دوراز دادوستدهای مرسوم مادی از عرصه عشق‌ورزی و جلوه احساسات پاک خواهد شد (نوری، اسلام‌پور، همان، ص ۹۰) و همچنین عواملی از قبیل ارتقای نقش و جایگاه مادران در جامعه، تحول نگرش‌ها و روش‌ها و محتوای آموزشی کتب درسی در ارزشمند جلوه دادن مادری و وظایف مربوط به آن، تربیت و توانمندسازی جسمی، روانی و علمی دختران بالغ برای عهده‌دار شدن نقش مادری، تغییر نگاه ارزشی زنان و مردان جامعه به مادری، معرفی الگوهای اسلامی و ملی از مادران نمونه، رد علمی شبهات و اندیشه‌های فمینیستی توسط صاحبان علم می‌تواند در تغییر این نگرش مؤثر باشد. (نوری، اسلام‌پور، ص ۹۱)

۱-۱-۳. ارزش‌گذاری نسبت به جایگاه فرزند

ارزش فرزندان به کارکردهایی اشاره می‌کند که آن‌ها ارائه می‌دهند و یا نیازهایی که برای والدینشان برآورده می‌کنند و منافع‌هایی که برای آن‌ها دارند. ارزش فرزندان، مفهومی است که مطابق تحولات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تغییر می‌یابد و به‌طور کلی، مجموعه چیزهای مثبت و منفی هستند که والدین با داشتن فرزند دریافت می‌کنند. ارزش‌های مثبت، منافع داشتن فرزند و ارزش‌های منفی، هزینه‌های فرزند را در برمی‌گیرند. این مفهوم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی می‌شود. هر کدام از نظریه‌ها از دیدگاه خاصی به این

موضوع می‌نگرند و آن را تحلیل و تبیین می‌کنند. تجربیات مختلف زندگی مانند داشتن فرزند بر اساس محاسبات عقلانی انجام می‌شود. بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، افراد، کنشگران هدفمندی هستند که به دنبال بهینه‌سازی منافع خویش هستند و کنشی را انتخاب می‌کنند که بهترین نتیجه را داشته باشد فریدمن و همکاران (۱۹۹۴) با ارائه نظریه ارزش فرزندان بیان می‌کنند فرزنددار شدن از علائق اولیه افراد است و ارزش کودکان منتج از ظرفیتشان برای کاهش عدم اطمینان برای زنان و افزایش انسجام زناشویی برای زوجین است.

نتایج به دست آمده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی مطابق با دسته‌بندی فاوست (۱۹۷۴) از ارزش فرزندان، ۸ عامل با ارزش ویژه بزرگتر از یک شامل منافع احساسی، هزینه‌های احساسی، تداوم خانواده، کسب هویت با فرزندان، تقویت و توسعه خود، هزینه‌های اقتصادی، منافع اقتصادی، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت از دست‌رفته ساخته شدند. در عامل منافع احساسی، گویه‌های فرزندان، مونس و همدم والدین هستند، فرزندان باعث نشاط زندگی می‌شوند، که نشان‌دهنده ارضای عاطفی فرزندان برای والدین هستند، بیشترین مقادیر بار عاملی را برای ارزش منافع احساسی داشتن فرزند نشان می‌دهند. گویه‌های فرزندان موجب می‌شوند زن و شوهر کمتر به هم توجه کنند، فرزندان برای والدین ایجاد نگرانی می‌کنند بیشترین همبستگی را با عامل هزینه‌های احساسی نشان دادند. دسته‌بندی فاوست در ارزش عمومی پیوستگی و تداوم خانواده بر این نکته تأکید دارد که فرزندان به تقویت و پیوند ازدواج والدین کمک می‌کنند، فرجام طبیعی ازدواج هستند و نام و سنت‌های خانواده را ادامه می‌دهند. در این پژوهش، گویه‌هایی که بیشترین همبستگی را نشان می‌دهند، عبارتند از بچه‌ها تنها یادبود والدین هستند، وارث خانواده هستند، بدون فرزند، خانواده تکمیل نمی‌شود و زندگی مشترک با فرزند، بیشتر تداوم دارد، تأییدی بر تعریف فاوست از ارزش عمومی پیوستگی و تداوم خانواده است. عامل کسب هویت با فرزندان نیز مطابق تعریف فاوست از این ارزش شامل ۳ گویه پیشرفت و تربیت خوب فرزندان باعث سربلندی و افتخار والدین است، والدین از تماشای بزرگ شدن فرزندان لذت می‌برند و باعث امیدواری والدین به زندگی می‌شوند همبستگی خوبی را با این عامل نشان دادند.

عامل تقویت و توسعه خود شامل گویه‌های فرزندان باعث افزایش اعتماد به نفس در والدین می‌شوند، باعث می‌شوند والدین از طعنه و کنایه مردم در امان باشند، باعث زیاده‌تر شدن اقوام می‌شوند، حس مسئولیت‌پذیری والدین را بالا می‌برند، ارضاکنده غریزه پدر و مادری هستند که همبستگی خوبی را نشان می‌دهند و مؤید تعریف فاوست از این ارزش مثبت فرزندان است. در دسته‌بندی فاوست، ارزش منفی هزینه‌های اقتصادی فرزندان با مخارج فرزندان در تغذیه، پوشاک، آموزش و ... تعریف شده است. در این پژوهش، عامل هزینه‌های اقتصادی با گویه‌هایی که به مخارج و هزینه‌های فرزندان در تحصیل، پوشاک، تهیه غذا و بزرگ کردن فرزندان و بیمار شدن فرزندان با این تعریف منطبق هستند. گویه‌های فرزندان در زمان ناتوانی والدین از آن‌ها مراقبت می‌کنند، عصای والدین به وقت پیری هستند، در حل مشکلات خانه کمک می‌کنند بیشترین مقادیر عاملی را در عامل منافع اقتصادی به خود اختصاص دادند. عامل محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت از دست‌رفته به فرصت‌هایی اشاره دارد که

والدین در زندگی اجتماعی، حرفه‌ای و علائق شخصی بعد از بچه‌دار شدن از دست می‌دهند. این عامل در این پژوهش با گویه‌های فرزندان، فرصت زنان را برای حضور در اجتماعات مختلف از بین می‌برد، مانع کارکردن مادر در خارج از خانه می‌شوند، رفاه مادی زن و شوهر را کاهش می‌دهند و باعث محدود شدن اوقات فراغت والدین می‌شوند، بیان شده است که همبستگی خوبی را با عامل هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته نشان می‌دهند. تعداد عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند، با آنچه بر اساس تئوری و مدل نظری فاوست انتظار می‌رفت، انطباق دارد. (هاشمی نیا و دیگران، همان)

در بینش الهی، انسان آیت خداوند و وجود فرزند مایه خیر و برکت است. در اهمیت و جایگاه فرزندآوری همین بس که آیاتی از قرآن دلالت بر تمنی و دعای برخی انبیای الهی برای فرزند داشتن (آل عمران: ۳۸-۳۹؛ مریم: ۵؛ انبیاء: ۸۹) است. در آموزه‌های روایی نیز، فرزند را ثمره قلب، نور چشم و گلی از گل‌های بهشت معرفی می‌نماید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳) و پیامبر اکرم (ص) نیز امت خود را به فرزندآوری تشویق نموده و مایه افتخار و مباحثات خویش در قیامت می‌داند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۸۶). بی‌شک، امتی مایه مباحثات است که با پیروی از تعالیم دین اسلام و سیره و سخنان پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)، راه نجات را بییماید.

۲. الگوی باروری در سطح سیاست‌های کلان

زمانی که دگرگونی‌های ساختاری (مانند صنعتی شدن و شهرنشینی و نظایر آن) در سطح کلان رخ می‌دهد دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان به وجود می‌آید. در سطح خرد نیز خانواده‌ها خود را با دگرگونی‌ها در سطح کلان انطباق می‌دهند (اعزازی، ۱۳۸۷). از این رو لازم است در سطح کلان سیاست نیز تغییرات ساختاری منسجمی صورت گیرد.

تصمیم‌گیری درست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

یافته‌ها نشان داد که دسترسی افراد به منابع گوناگون اقتصادی و حمایتی تأثیرات متفاوتی بر نیت باروری آنها دارد. در مجموع به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی و کاهش ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، یک عامل بازدارنده در جهت ترغیب به رشد جمعیت باشد؛ ضمن اینکه عادت مردم به تک فرزندی یا دو فرزندی که طی بیش از دو دهه شکل گرفته به زودی از بین نخواهد رفت. (عرفانی، ۱۳۹۱؛ طباطبایی یزدی، مزگان ۱۳۸۶)

۲-۱. حل مشکلات اقتصادی

در مطالعه اسحاقی و همکاران که در خصوص چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل انجام شد، آن‌ها هزینه‌های بالای زندگی را دلیل اشتغالشان عنوان نموده و تأکید کردند که به دلیل هزینه‌های بالای فرزندآوری، تمایلی به آن ندارند. در مطالعه یاد شده چنین عنوان شد که از دیدگاه زنان شاغل سرپرستی و نگهداری از فرزندان مترادف است با صرف زمان و هزینه‌های اقتصادی و زنان آن را یک مشکل تلقی کردند (اسحاقی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱-)

۱۳۴) در مطالعه مشکانی و همکاران که با موضوع تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک فرزند و بدون فرزند در شهرکرد انجام شد دریافتند که کاهش میزان باروری، اثر متقابل شاخص توسعه اقتصادی و اقدامات دولتی است. (مباشری، علیدوستی و دیگران، ص ۶۳-۷۰)

در این زمینه دولت باید امکانات رفاهی و اقتصادی را با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های کوتاه و مدت در پیش گیرد تا به بهبود روند فرزندآوری در خانواده‌ها کمک نماید.

هاروی لیبشتاین در چارچوب تئوری اقتصادی، استدلال می‌کند که منفعت و هزینه فرزندان، عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان تأثیر می‌گذارند. چنانچه فرزند به عنوان کالایی که می‌تواند منبع لذت برای والدین باشد (کالای مصرفی)؛ و از آن به عنوان نیروی کار که می‌توان از او به گونه‌ی مجانی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده کرد؛ و همچنین تأمین و نگهداری والدین در سنین کهنوت یا وضعیت‌های دیگری، مثل بیماری یا از کار افتادگی؛ صورت گیرد؛ می‌تواند منفعت و رضایت در باروری را به دنبال داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۶). بر مبنای این نظریه، رضایت از زندگی و تعداد مطلوب فرزندان، عامل اصلی در باروری زنان تلقی می‌گردد.

بر اساس پژوهشی، از میان کل دلایل اظهار شده برای نخواستن فرزند، «عدم توانایی برای تأمین هزینه‌های فرزند دیگر» (۲۷ درصد)، «داشتن تعداد مورد نظر فرزندان» (۲۵ درصد)، «تداخل فرزندآوری با علایق، تفریحات، و برنامه‌های کاری و تحصیلی» (۱۶ درصد) و «نگرانی نسبت به آینده فرزندان» (۱۵ درصد) به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین دلایل نخواستن فرزند (یا فرزند دیگر) ذکر شده است (عرفانی، همان). طبق پژوهشی دیگر بیشترین درصد (۸۳/۳) افزایش هزینه‌ها و فشار اقتصادی را دلیل عدم باروری عنوان کرده‌اند. (مباشری، علیدوستی، ص ۶۵) تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور جهت افزایش مهارت، تحصیل و آموزش با کیفیت فرزندان (مقصودپور، ۱۳۹۳، ص ۸۳-۱۰۰) می‌تواند یکی از دلایل انصراف والدین از داشتن فرزندان بیشتر است.

هرچند برخی تحقیقات شرایط بد اقتصادی را عاملی در کاهش باروری نشان نداده‌اند (رشیدی، همان) اما نمی‌توان نقش شرایط مطلوب اقتصادی را در افزایش باروری بی‌تأثیر دانست.

۲-۲. تسهیل فرآیند ازدواج

امروز از موانع بزرگ ازدواج جوانان فراهم نبودن لوازم اقتصادی ازدواج و تشکیل زندگی از قبیل مراسم و خریدهای عروسی تا تهیه شغل و مسکن است که به مشکل بزرگ و مهم تبدیل شده است و راهکارهایی همچون ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان حل مشکل مسکن جوانان توسط دولت، ترغیب خیرین برای کمک به ازدواج جوانان و... حتی در صورت کارساز بودن در بلندمدت، در یک‌زمان کوتاه قادر به حل این مشکلات فراوان نخواهد بود زیرا جمعیت جوانان در آستانه ازدواج میلیون‌ها نفر است و لازمه اکتفا به اقدامات فوق آن است که سالیان سال از عمر جوانان برای به‌دست‌آوردن شرایط لازم در تجرد بگذرد (مجله مبلغان، همان). در مطالعه‌ای بین

سن زن در هنگام ازدواج و تأخیر در فرزندآوری رابطه منفی و معنادار وجود داشت. (منتظری، ۱۳۹۵)

دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین برای پاسخ به‌تمامی نیازهای انسان ازجمله غرایز موجود در او راهکارهای مناسب دارد یکی از این قواعد غرایز، گزینه جنسی است که توصیه دین در خصوص آن برای شرایط عادی، «استحباب ازدواج» (سید یزدی، ص ۴۷۴) و در صورت آلوده شدن به گناه «وجوب ازدواج» (بنی‌هاشمی، ص ۴۹۳) می‌باشد. خداوند در قرآن دستور صریح به این امر دارد (نور: ۳۲). از نظر دینی، ازدواج مشروط به متمکن بودن و دارا بودن شغل و مسکن و اسباب منزل نیست که در صورت عدم این موارد از ازدواج ممانعت به عمل آید یا اینکه توصیه به عدم آن شود بلکه چنان‌چه در آیه مذکور می‌بینیم سفارش شده که برای اقدام به ازدواج از فقر و نداری هراس نداشته باشید.^۱ (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲ و ۲۱۷)

بنابراین توجه به عواملی ازجمله صورت گرفتن ازدواج بدون فراهم بودن مسکن مستقل و شغل مستقل در سایه توکل به خدا نسبت به فراهم شدن آن‌ها بعد از ازدواج، ازدواج آسان در دوران دبیرستان و ماندن در منزل والدین با روابط کامل تا عروسی یا در صورت فراهم بودن شرایط دانشجویی، ازدواج در این دوران و زندگی در خوابگاه متأهلی، ازدواج با توافق خانواده دو طرف بر کمک مالی تا زمان استطاعت برای زندگی مستقل و هم‌چنین مهریه پایین در مقابل جهیزیه مختصر ... می‌تواند به‌عنوان راهکارهایی در این زمینه مثر واقع شود.

۳-۲. اصلاح سیاست‌ها

با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور تدریجاً رو به تغییر نهاد (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴، ص ۳۵-۷۶). جوامع به سمت صنعتی شدن گرایش پیدا کردند، شکل خانواده از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر یافت و متعاقب آن خانواده در پاره‌ای از کارکردها اغلب و در پاره‌ای دیگر بخشی از کارکردهایش را از دست داد و نهادهای دیگر عهده دار انجام این کارکردها شدند. یکی از این دگرگونی‌ها تغییر شکل خانواده از واحد تولیدی و مولد بودن به یک واحد مصرفی است. بدین ترتیب خانواده با از دست دادن کارکردهای پیشین خود از قبیل مشارکت اقتصادی، فعالیت آموزشی و فرهنگی و روابط انسانی در واقع به ابزاری در دست سرمایه‌داران بزرگ تبدیل شدند (فرهادیان، ۱۳۹۹، ص ۵۶).

اگرچه در این میان در مدل اقتصاد سرمایه‌داری، به‌منظور حفظ حیات خویش به واسطه تحصیل درآمد بیشتر و لاجرم مصرف بیشتر تلاش می‌کند اشتباهی جامعه را به سمت کامیابی بیشتر از زندگی تحریک کند تا در نتیجه به مصرف‌گرایی به حرکت درآید. مصرف‌گرایی نیز سبب افزایش هزینه است. طبیعی است که وجود فرزندان زیاد مصرف بیشتر و افزایش هزینه بالاتر را به همراه دارد و چون هدف انسان در دوران جدید مصرف‌گرایی و افزون‌سازی

۱. «وَوَجُوا أَيْمَانَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيَسَّعَ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ».

بهره‌مندی از زندگی معرفی شده و در این هدف فرزندآوری کمتر مورد نظر قرار گرفته خانواده‌ها ترجیح می‌دهند با داشتن فرزند کمتر و کاهش هزینه‌ها، مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه و لذت افزون‌تری داشته باشند. این باور موجب کاهش باروری و در نتیجه سیر نزولی رشد جمعیت شده است و بنابراین فرایند صنعتی شدن کارکردهای اقتصادی خانواده سنتی را دگرگون ساخت (جوکار، ۱۳۹۳) و تأثیر عمده‌ای بر کاهش میزان تولیدمثل داشته است.

مسئله دیگر در کاهش باروری، اجرای غلط سیاست‌های تنظیم خانواده در کشور و نگرش مثبت و پذیرش از این وسایل در سال‌های اخیر بوده است. نظریات اشاعه، بر گسترش ایده‌ها و هنجارهای اجتماعی و وسایل تنظیم خانواده از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباط اجتماعی خسارت بزرگی را به دنبال داشت. از مهم‌ترین نظریات منتشر شده، نظریه مالتوس بود که به رشد جمعیت نگاه بدبینانه‌ای داشته و آن را تهدید به حساب می‌آورد. براساس این دیدگاه، لازم بود خانواده‌ها به کنترل جمعیت و کاهش تعداد فرزندان تشویق شوند (حسین‌نمازی، ص ۶۱). بر مبنای تئوری «منزلت اجتماعی» نیز، میزان باروری هر خانواده و جامعه، مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین چنانچه فرزندآوری باعث حرکت صعودی خانواده شود آن را ادامه می‌دهد؛ ولی اگر آن را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خود بدانند باید آن را به طرق گوناگون کنترل کند (رشیدی، ۱۳۷۹، ص ۱-۲۱). اما آنچه واضح است سرمایه اصلی هر کشوری را جمعیت جوان و پویای آن تشکیل می‌دهد و در این راستا جوامع در معرض سالخورده‌گی جمعیت، مدام در تلاشند تا با ارایه راهکار و بسته‌های تشویقی و حمایتی، زوجین را تشویق به زاد و ولد کنند. در ایران پس از آن که اجرای سیاست کنترل جمعیت، زنگ خطر سالخورده‌گی را به صدا درآورد، باید تلاش‌های مهمی در جهت پیشگیری از این معضل صورت بگیرد. اگرچه نگرش به فرزندآوری مثبت نیست اما این موضوع بیش‌تر از مشکلات اقتصادی و معیشتی زوجها و تمایل خانواده‌ها برای فراهم کردن رفاه بیشتر برای فرزندان کمتر سرچشمه می‌گیرد.

۲-۴. حل مشکلات مربوط به ناباروری و نازایی

یکی از عوامل مؤثر در کاهش زاد و ولد مشکلات ناباروری در زنان و مردان است. که صرف هزینه‌های گزافی را جهت درمان طلب کرده و می‌تواند باعث از هم گسیختگی ثبات خانواده گشته و افراد مبتلا را در معرض فشارهای خانوادگی زیادی قرار دهد. یک زوج، زمانی از نظر بالینی نابارور محسوب می‌شوند که طی یک سال مقاربت بدون پیشگیری، باروری حاصل نگردد (محمدی، خلیج آبادی فراهانی، ۱۳۸۰، ص ۳۳-۳۹). مطالعه در سال ۸۴-۸۳ برای بررسی شیوع ناباروری اولیه نشان داد که حدود یک چهارم از زوج‌های ایرانی ناباروری اولیه را در طول زندگی مشترک خود تجربه می‌کنند و در هر مقطع زمانی ۳/۴ درصد از زوجها دارای مشکل ناباروری اولیه هستند. (وحیدی، اردلان علی، ۱۳۸۵، ص ۵۱-۲۴۳)

عوامل متعددی می‌توانند باعث ایجاد ناباروری در زوجین گردند. این علل عبارتند از اختلالات اسپرم (۳۵ درصد زوجین نابارور)، اختلالات تخمدان (۲۰ درصد) و اختلالات لوله رحمی (۳۰ درصد) و سایر علل (۱۵ درصد) (بهجتی اردکانی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵-۳۳۱) از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به تغییر شیوه

زندگی اشاره کرد. اگرچه درصد کمتری از سهم علل ناباروری را دربر می‌گیرد ولی با تغییر شیوه زندگی به‌مرور به انواع عوامل گوناگون خطرناک محیطی افزوده‌شده و منجر به بروز انواع اختلالاتی در ارگان‌های مختلف بدن انسان می‌شود. ترکیبات زیان‌بار نظیر سرب، استفاده از آب شرب آلوده به مواد مضر شناخته‌شده و شناخته‌نشده حاصل از صنایع گوناگون نظیر ترکیبات آرسنیک، کروم، بنزین و غیره، آب‌وخاک کشاورزی آلوده به سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی و به‌تبع آن محصولات زراعی آلوده، استفاده از هورمون‌ها و داروهای گوناگون در صنعت پرورش دام و طیور و وجود بقایای آن‌ها در صنایع لبنی و گوشتی، همچنین قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض امواج موبایل و امواج ساطع‌شده از فرستنده‌های مخابراتی از عواملی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کاهش باروری تأثیر می‌گذارند (سروری، داوری، ص ۲۱۱). لازم است در این زمینه دولت نیز اقداماتی انجام دهد و سیاست‌های حمایتی ویژه‌ای اتخاذ کند.

۲-۵. آگاهی دادن نسبت به آسیب‌های تک‌فرزندی (در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی و...)

تغییر در میزان باروری یک جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است و این موضوع در کوتاه و یا بلندمدت، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سیاسی تأثیرگذار بوده، تبعات فراوانی به دنبال دارد. اولین تأثیر چنین تغییراتی را می‌توان در حوزه اقتصادی بررسی کرد؛ زیرا باروری تأمین‌کننده نیروی کار در هر جامعه است و کاهش چشمگیر در نرخ باروری در طولانی‌مدت، ممکن است جامعه را با کمبود نیروی کار مواجه سازد؛ آسیب جدی پیری جمعیت و ورود به کهن‌سالی بحران سالمندی را به دنبال خواهد داشت که این دوره از زندگی خطرات و مشکلات خاص خود را دارد و بنابراین در خانواده‌های کم‌جمعیت و تک‌فرزند یگانه فرزند خانواده می‌بایستی به‌تنهایی همه این هزینه‌ها را متحمل شود (همان). نکته دیگر اینکه خانواده‌های کم‌جمعیت ممکن است ثروتمند شوند ولی ثروتمند شدن آن‌ها از فقیر شدنشان خطرناک‌تر است. (بیل مک کین، ص ۱۸۲)

باروری از نظر اجتماعی، تأمین سلامت خانواده و نظام خویشاوندی را در پی داشته و بنابراین، کاهش در سطوح نرخ باروری، نظام خانواده و خویشاوندی را با تهدید روبه‌رو خواهد ساخت. یکی از مواردی که اهمیت و ارزش فرزندان را نشان می‌دهد امنیت افزایی فرزندان در کانون خانواده است. افزون به این وجود فرزندان در خانه موجب امنیت بنیان خانواده از فروپاشی است و سپر حمایتی زن و مرد در برابر طلاق است. (ملکوتی‌نیا، همان، ص ۸۲)

اختلال در ارتباط با خویشاوندان نیز از جمله مشکلات تک‌فرزندی می‌باشد از این جهت که صله‌رحم و ارتباط با خویشاوندان و تعامل با آنان در آموزه‌های اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است. ارتباط خویشاوندی با غیر از پدر و مادر در خانواده‌های تک‌فرزند و کم‌جمعیت کمتر است و بسیاری از این فرزندان عمو، دایی، خاله، عمه، برادر و خواهر نداشته‌اند و چنین ارتباطی را نیازموده‌اند. این فرزندان بیشتر وقت خود را با رسانه‌ها و در فضای مجازی سپری می‌کنند. نبود هم‌بازی افزون بر آن‌که شادابی طبیعی را در این خانواده‌ها کم می‌کند حاکمیت رسانه

پرننگ‌تر می‌کند بنابراین احتمال بیشتری می‌شود که هویت فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های مدرن و استکباری شکل گیرد. از سوی دیگر، باروری از لحاظ جمعیتی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا کاهش شدید آن ممکن است بقای نسل و تداوم جامعه را به خطر اندازد. چنانچه از آموزه‌های دینی استفاده می‌شود، داشتن فرزند آثار متعددی دارد؛ از جمله موجب اقتدار والدین می‌شود چنانکه قرآن (اسراء: ۶) فرزند را نشانه اقتدار می‌داند و ائمه اطهار پیروان خود را به ازدیاد نسل تشویق (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۸۴) و فرزند را بازوی والدین معرفی کرده‌اند. (مجلسی، ج ۵۱، ص ۶۵)

بنابراین یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی والدین فرزند است طبیعی است که اگر تعداد فرزندان بیشتر باشد والدین قدرتمندتر خواهند بود. از سوی دیگر ایستادگی جامعه اسلامی در برابر تجاوز استعماری به گوهر عمل و ایمان جوانان فداکار وابسته است. سرانجام باروری از نظر عاطفی و تربیتی برای خانواده دارای اهمیت است: تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که زوج‌های بدون فرزند، در سنین پیری، حمایت اجتماعی و علقه‌های احساسی کمتری دارند. (محمدی، رستگار خالد، ۱۳۹۴)

در دوران معاصر، خانواده‌ها فرزند نخست را برای گرم‌شدن زندگی و فرزند دوم را برای تکمیل جنسیت فرزندان می‌خواهند و نسبت به فرزندان بیشتر گرایش و تمایلی ندارند در این میان آنچه به فراموشی سپرده می‌شود تربیت و سلامت روحی فرزندان می‌باشد. از آنجاکه والدین فرزندان را جانشین و ادامه نسل خویش به شمار می‌آورند و برای آینده آن‌ها نگرانی دارند بی‌توجهی به سلامت جسمی و اخلاقی آن‌ها در درازمدت آسیب‌هایی را به وجود خواهد آورد که هم سلامت فرزندان و هم آرامش و آسایش پدر و مادر را به مخاطره خواهد کشید.

یکی از آسیب‌ها و خطرات تک‌فرزندی در بعد تربیتی؛ فرزندسالاری است. فرزندان خانواده‌های کم‌محبت به فرزندسالاری می‌رسند و جامعه‌پذیری متفاوتی را می‌آموزند زیرا امکانات خانواده بر فرزند کمتری متمرکز می‌گردد و پدر و مادر با حمایت و توجه بیشتری از آن‌ها نگهداری می‌کنند. محوریت یافتن شادکامی فرزندان و در کانون توجه قرارگرفتن خواسته‌های آنان، هزینه شدن بیشتر امکانات خانواده برای خشنودی فرزندان و در نتیجه کاهش بعد از نظارتی والدین از ویژگی‌های فرزندسالاری در خانواده‌ها است (ملکوتی‌نیا، همان). خانواده‌های تک‌فرزند و کم‌محبت به‌خاطر حاکمیت فرزندسالاری و سیطره فرزند بر فعالیت‌های فردی و اجتماعی‌شان، ممکن است ناسازگاری اخلاقی و اجتماعی را تجربه کنند چون خانواده‌های پرجمعیت به دلیل کمبود امکانات به‌نوعی از انواع نظم نیازمندند که نتیجه آن کامیابی‌ها و موفقیت‌ها در کسب فضائل اخلاقی است؛ زیرا در این خانواده‌ها فرزندان می‌آموزند که در برابر هم بردباری بورزند، قناعت و از خودگذشتگی پیشه کنند و حقوق یکدیگر را پاس بدارند و نظارت والدین را بپذیرند. (همان، ص ۷۳)

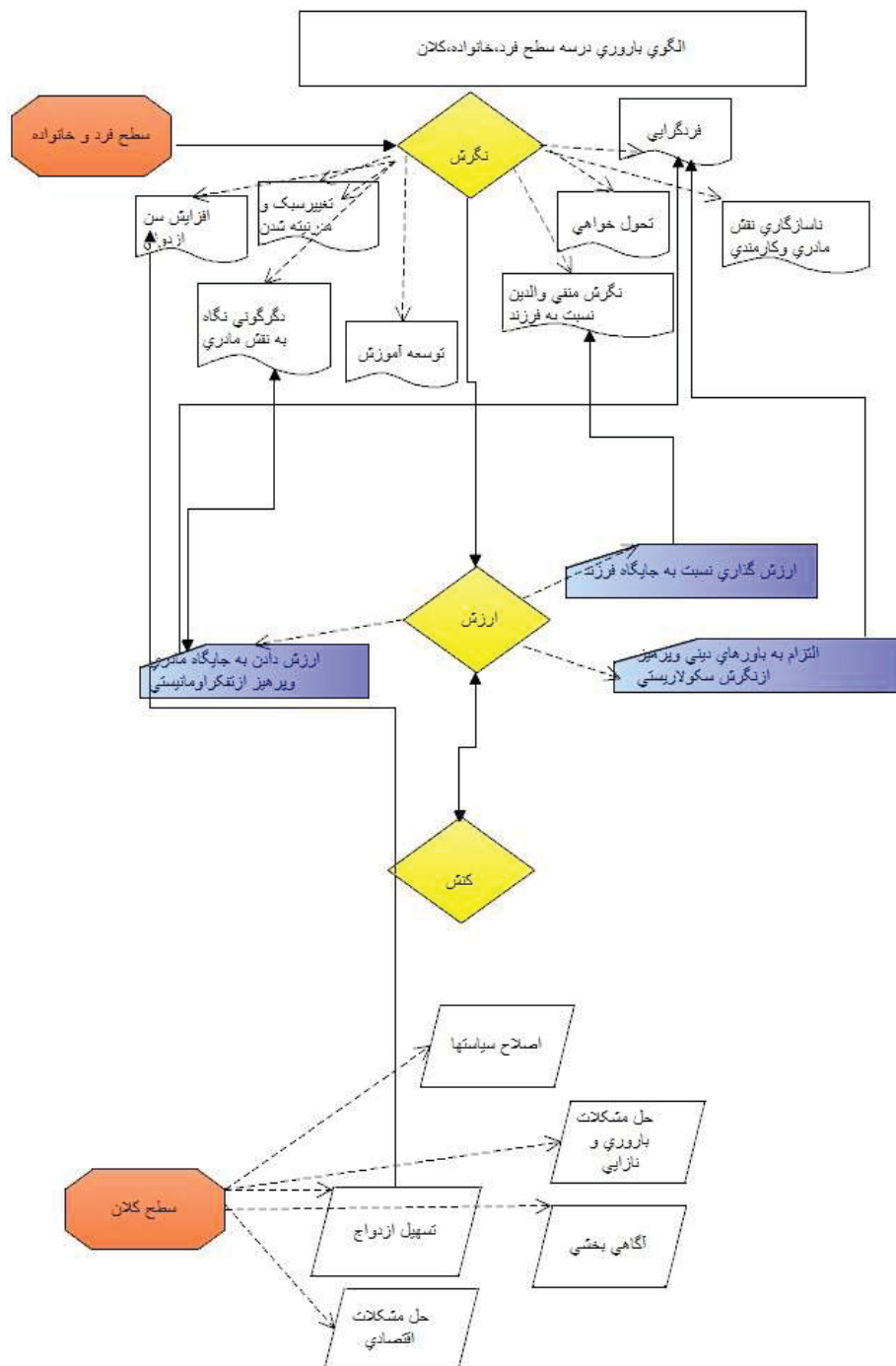
نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طی چند دهه اخیر تغییرات سریعی در رفتارها و نگرش‌های باروری رخ داده

است. بافت سنتی خانواده نیز آمیزه‌ای از تداوم و تغییر را تجربه کرده است و در نهایت نتیجه می‌گیرد که سرعت شدید کاهش باروری را نمی‌توان به تغییر اشکال سنتی خانواده ارتباط داد، زیرا کاهش سریع باروری ملازم با تحولات سریع در عناصر سنتی حیات خانواده نبوده و برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی برخی از صاحب‌نظران نوعی همگرایی خطی به سمت مدل خانواده هسته‌ای غربی صورت نگرفته است، نتایج به‌دست آمده، نشانگر آن است که افزایش سطح تحصیلات والدین به‌ویژه مادران و کاهش مرگ‌ومیر فرزندان از دیگر عوامل در کاهش میزان باروری زنان در ایران است. همچنین این مطالعات نشان می‌دهد که احتمال افزایش نرخ باروری با نابرابری جنسیتی، افزایش سهم هزینه تحصیلات و افزایش سهم اجاره در بودجه خانوار کاهش می‌یابد. احتمال افزایش نرخ باروری با افزایش درآمد خانوار در طبقات بالا و پایین افزایش و در طبقه متوسط کاهش می‌یابد. ظهور فردگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای توسعه غربی و خصایص جامعه مدرن از عوامل مهم و اثرگذار بر گسترش کنش کم‌فرزندآوری زنان است.

همچنین یکی از عوامل مؤثر در کاهش باروری در سال‌های اخیر بالارفتن سن ازدواج است. توانایی باروری در زنان با افزایش سن به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. از آن جایی که زندگی زنان شاغل با تولد اولین فرزند به‌شدت دگرگون می‌شود. مادران شاغل با دو نقش روبه‌رویند که گاهی اوقات این نقش‌ها در تضاد با هم قرار دارند: نقش شاغلی و نقش مادری. افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی، علاوه بر اینکه منشأ بهبود کیفیت زندگی و پیشرفت اجتماعی زنان شده است. الگوی باروری شامل مجموعه‌ای از مفروضات نگرشی در حیطه باورهاست که بازتاب دهنده هنجارهای آن فرد و جامعه است.

میان متغیرهای فردگرایی، مدرنیزاسیون، دینداری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در خانواده‌ها و باروری رابطه کاملاً معناداری وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان التزام به باورهای دینی خانواده بیشتر، سطوح سکولاریسم و فردگرایی کمتر، میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد، نرخ باروری در آن خانواده‌ها بیشتر است. در این میان مدرنیزه شدن و تبعات متأثر از آن بر خانواده و به‌ویژه زنان سهم زیادی در تغییر نگرش‌ها داشته است. با تغییر در نگرش‌ها و باورها، تغییر در ارزش‌ها ایجاد می‌شود و به دنبال آن تغییر در کنش به وجود می‌آید. در ادامه الگوی باروری در سه سطح به ترسیم درآمده است. در این الگو تغییر در نگرش، ارزش و کنش از مهم‌ترین اصول به حساب می‌آید.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ابن ابی جمهور، محمد، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی*، به کوشش مجتبی عراقی، قم.
- بنی‌هاشمی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، *توضیح المسائل سیزده مرجع*، ج ۲، قم: اسلامی، چاپ دوازدهم.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۶)، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نی.
- حسینی، حاتم، (۱۳۸۶)، *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*، چ سوم، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- حر عاملی، (۱۴۱۴ق)، *وسایل الشیعه*، ج ۲۰، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم.
- سید یزدی، (۱۴۲۰ق)، *عروه الوثقی*، ج ۵، قم: اسلامی.
- شیخ حویزی، *نورالثقلین*، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- فرهادیان، فاطمه، (۱۳۹۸)، *اشتغال زنان و آثار و پیامدها*، قم: حیات طیبه.
- فطرس، محمدحسن؛ نجمی، مریم و عباس معمارزاده، (بی‌تا)، *تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری*.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی‌تا)، *الکافی*، ج ۵، بی‌جا.
- متقی هندی، (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، ج ۱۶، بیروت لبنان: مؤسسه رساله.
- مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، ج ۱۰۰، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ سوم.
- مجلسی، محمدتقی، (بی‌تا)، *الجامعه للدورالاجبار الاثمه الاطهار*، ج ۱۰۱، بی‌جا.
- نوری، حسین، (بی‌تا)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۵، بی‌جا.
- اسحاقی، م، محبی؛ ف، پاپی‌نژاد؛ ش. و جهاندار، ز.، (۱۳۹۳)، «چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک

- مطالعه کیفی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، د ۱۲، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- آرون، ریمون، (۱۳۸۷)، *سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه پرهان، باقر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ابوت، پ. و والاس، ک، (۱۳۷۶)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمه: مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
 - احمدی‌فراز، م؛ عابدی، ح. و آذربیزین، م. (۱۳۹۳)، «تبیین تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری: یک پژوهش کیفی پدیدارشناسی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ش ۲، ص ۱۴۸-۱۳۷.
 - بیل، مک کین، «در باره خانواده‌های تک‌فرزندی»، ماهنامه سیاحت غرب، ج ۱۵.
 - بیگدلی، محمدتقی؛ کلانتری، صمد و محمدباقر علیزاده، (۱۳۸۵)، «رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۱، ص ۱۲۳-۱۴۰.
 - بهجتی اردکانی، زهره و دیگران، (۱۳۸۶)، «تأثیر افزایش سن در باروری و باروری جایگزین»، فصلنامه پایش، سال ششم، شماره چهارم، ص ۳۴۵-۳۳۱.
 - پروینیان، فریبا و همکاران، (۱۳۹۷)، «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه موردی شهر قزوین»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال نهم، شماره چهارم، زمستان.
 - ترابی، ف، (۱۳۹۰)، «تأملی بر پایان‌نامه تأخیر ازدواج و کاهش باروری در ایران»، کتابنامه علوم اجتماعی، ش ۴۲ و ۴۳، ص ۹۸-۱۰۰.
 - جوکار، محبوبه، (۱۳۹۳)، «مدرنیته و تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره دوم، بهار.
 - جهانگیری، جهانگیر و همکاران، (۱۳۹۳)، «برساخت فهم زنان تک فرزند از چالش‌های فرزندآوری مشارکت‌کنندگان زنان تک فرزند شهر اهواز»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱، ص ۸۵-۱۱۰، پاییز.
 - حسن‌زاده، رمضان؛ میریان، احمد و فاطمه لزگی، (۱۳۹۳)، «رابطه توکل به خدا و کیفیت زندگی و امید به زندگی در معلمان ناحیه یک ساری»، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۱، شماره ۲، تابستان.
 - حسینی، حاتم و بال بگی، (۱۳۹۱)، «تعمین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی تمایات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان»، مجله دانشگاه علوم

- پزشکی کرمانشاه، سال ۸(۱)، ص ۱۲-۴.
- خدیوزاده، ط، مرارید ایرانی، (۱۳۹۵)، «ارتباط بین باورهای دینی و رفتارهای باروری در زنان سنین باروری شهر مشهد در سال ۱۳۹۵».
- رضایی نسب، زهرا و سردار فتوحی، (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر ایلام»، فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام، شماره ۵۴ و ۵۵.
- رزاقی نصرآباد، حجه بی‌بی، (۱۳۹۵)، «چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر تأخیر در فرزندآوری نتایج یک مطالعه کیفی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، راهبرد اجتماعی فرهنگی سال پنجم، شماره ۲۰، پاییز.
- راد، فیروز و حمیده ثوابی، (۱۳۹۴)، «بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۱۵ ساله ساکن شهر تبریز)»، مطالعات زن و خانواده دوره ۳، شماره ۱.
- رشیدی، ابراهیم، (۱۳۷۹)، «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهاقان اصفهان»، مجله جمعیت، سال ۴ (۳۳ و ۳۴)، ص ۱-۲۱.
- سروری، علی و محمد مهدی داوری، (۱۳۸۹)، «عوامل خطر ساز محیطی و کاهش باروری در مردان و زنان»، فصلنامه باروری و ناباروری، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان.
- سفیری، خدیجه؛ کمالی، افسانه و الهه فرجی، (۱۳۹۶)، «بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند»، فصلنامه شورای فرهنگی اتمامی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، بهار.
- سرایی، حسن، (۱۳۸۷)، «گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶، ص ۱۴۰-۱۱۸.
- سلیمانی، محمد؛ کیانی، مهدی و ایمان عابدی، (۱۳۹۸)، «بررسی آثار فقر ذهنی بر تلقی انسان از منافع و هزینه‌های باروری (رویکرد درون دینی)»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده.
- شاه آبادی، زهرا؛ حسن سرایی، حاج آبادی، (۱۳۹۲)، «نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران سال هشتم، شماره ۱۶، بهار و تابستان.
- شیری و سهیلا بیداریان، (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان (۱۵-۴۹) سال

- شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۳، پاییز، ص ۹۳-۱۰۷.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «بایسته‌های تغییر سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی»، مجله معرفت، سال ۲۳، شماره ۱۸۹، شهریور.
- صادقی، رسول، (۱۳۹۵)، «تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران»، فصلنامه راهبردی اجتماعی سال ۵، شماره ۶، پاییز.
- صادقی، رسول، شهابی، (۱۳۹۸)، «تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران»، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۰، شماره ۱، شماره پیاپی ۷۳، ص ۹۱-۱۰۴.
- ضیایی بیگدلی، محمدتقی؛ کلاتری، صمد علیزاده؛ اقدم، محمدباقر، (۱۳۸۵)، «رابطه بین میزان باروری کل و توسعه اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۵، ص ۱۲۳-۱۴۰.
- عبودی، سمیه، (۱۳۹۲)، «بررسی جمعیت در استان فارس در پی تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، اداره کل ثبت احوال استان فارس.
- عباس زاده، محمد؛ علیزاده، محمدباقر؛ دولتی، علی، (۱۳۹۵)، «مطالعه نقش دین‌داری در توسعه امید به آینده»، دین و سیاست، دوره ۴، شماره ۱.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاوشی، میمنت، (۱۳۹۰)، «تحولات باروری تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی شماره ۳ (پیاپی ۴۸).
- عباسی شوازی، محمد جلال و فیروز کاوه، زینب، (۱۳۸۱)، «تغییر سیاست‌های کنترل جمعیت و تأثیر آن بر تحولات ایران»، همایش جمعیت‌شناسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- عباسی شوازی؛ محمد جلال و عسگری ندوشن، عباس، (۱۳۸۴)، «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳(۲۵)، ص ۳۵-۷۶.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ میمنت حسینی چاوشی، پیتر مک دونالد و بهرام دالور، (۱۳۸۳)، «تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: انتشارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

- عباسی شوازی، محمدجلال و ملیحه علی مندگاری، (۱۳۸۹)، «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۱، ص ۵۱-۳۲.
- عرفانی، امیر، (۱۳۹۱)، *نیات باروری مردم تهران*، مرکز مطالعات جمعیتی آسیا اقیانوسیه.
- طباطبایی یزدی، مژگان، (۱۳۸۶)، *مطالعه روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل مؤثر بر این روند*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- علمی، زهرا میلا و روستایی شلمانی، خیزران (۱۳۹۳)، «اثر توسعه بر مشارکت اقتصادی زنان کشورهای منا با استفاده از روش پانل پروبیت کسری»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی سال چهارم، شماره ۱۴.
- عنایت، ملیحه؛ پرنیان، لیلا، (۱۳۹۲)، «مطالعه رابطه مجانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزند آوری»، فصل‌نامه پژوهشی زن و جامعه سال چهارم، دوره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
- کلاتری، محمد؛ بیک محمدی، حسن؛ زارع شاه‌آبادی، اکبر، (۱۳۸۴)، «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳»، پژوهش زنان دوره ۳، شماره ۲.
- کلاتری، صمد؛ عباس زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق راکعی بناب، ندا، (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه شناختی گرایش به فرزند آوری و برخی عوامل مرتبط با آن، مطالعه جوانان متأهل شهر تبریز»، جامعه شناسی کاربردی، ۳۷: ۲، ص ۸۳-۱.
- کریدی، اس، لیباس، کا، «پیشگیری از بارداری در اردن: دیدگاه فرهنگی و مذهبی»، بین‌المللی، بررسی پرستاری ۲۰۰۱؛ ۴۸ (۳)، ص ۱۴۴-۱۵۱.
- لطیف نژاد رودسری، رباب؛ حمیده جعفری؛ علی تقی پور؛ نیره خادم؛ سعید ابراهیم زاده، (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه باورهای دینی با نگرش زوجین ناباور نسبت به روش‌های اهدایی کمک باروری و انتخاب آن به عنوان یک رویکرد درمان ناباروری»، فصلنامه زنان و نازایی امامی ایران، دوره شانزدهم، شماره چهل و چهارم، ص ۱-۱۰ هفته دوم.
- مبشری، محمود؛ علیدوستی، معصومه، (۱۳۹۲)، «مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه ایلام، دوره ۲۱، شماره ۶.

- مباشری، محمود، علیدوستی معصومه و دیگران، «تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوهای باروری خانواده مجرد و بدون فرزند در شهر شهرکرد»، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام ۲۱ (۶)، ص ۶۳-۷۰.
- مجله مبلغان، فروردین و اردیبهشت ۸۸، شماره ۱۱۴، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه تسهیل ازدواج جوانان، hazah.net.
- مرادی، گل‌مراد، صفاریان، محسن، (۱۳۹۱)، «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان مطالعه موردی شهر کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال دوم، شماره هشتم، ص ۸۱-۱۰۸.
- مقصدپور، محمدعلی، (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر کاهش نرخ باروری در ایران از دیدگاه علم اقتصاد در دوره زمانی (۱۳۶۵-۱۳۹۰)»، مجله اقتصادی شماره ۶ و ۵، ص ۸۳-۱۰۰.
- ملکوتی‌نیا، علی، (۱۳۹۳)، «آسیب‌های اخلاقی کاهش جمعیت فرزندان»، مجله مبلغان، شماره ۱۸۱.
- مهربانی وحید، (۱۳۹۳)، «درآمد خانواده و تقاضا بدید و برخی شواهد»، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، دوره ۴۹، شماره ۱، ص ۱۳۵-۱۱۵.
- مهرگان نادر، رضایی؛ روح‌الله و موسایی، میثم، (۱۳۸۹)، «نرخ باروری و میزان مشارکت زنان در نیروی کار، (مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا)»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۸، شماره ۲ (۲۹ پیاپی)، ص ۵۵-۶۸.
- مشفق، م. و غریب عشقی، س. (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ش ۵۸، ص ۱۲۰-۹۳.
- محمدی محمدرضا؛ خلیج آبادی فراهانی فریده، (۱۳۸۰)، «مشکلات عاطفی و روانی ناشی از ناباروری و راهکارهای مقابله با آن»، باروری و ناباروری ۳۳-۳۹، ۸.
- محمدی، میثم؛ امیر رستگار خالد، (۱۳۹۴)، «تغییرات فرهنگی و اُفت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)»، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و ششم، شماره ۲ (پیاپی ۵۸).
- منتظری، علی، (۱۳۹۵)، «بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران»، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی معاونت پژوهش و فناوری.

- نوری، اعظم؛ اسلام پور، حسن، «نقش مادری در آموزه‌های قرآنی»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده.
- نور بالا احمد علی، محمد کاظم، (۱۳۸۰)، «بررسی سلامت و بیماری در جمهوری اسلامی ایران»، معاونت تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- وحیدی سراج الدین، اردلان علی، محمدکاظم، (۱۳۸۵)، «بررسی شیوع نا باروری اولیه در جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۸۴-۱۳۸۳»، باروری و نا باروری، ۳، ص ۵۱-۲۴۳.
- هاشمی نیا، فاطمه و دیگران، (۱۳۹۶)، «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز)»، دوره ۲۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۷، ص ۶۱-۷۸.